

۰۳۳۷۳۹۰

به نام خداوند جان و خرد



پوریا پوهنش
کتاب ارشد

مجموعه مدیریت

اقتصاد کلان

چاپ اول

مؤلف:

احمد موسوی خوئی

بهار ۱۳۹۴

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
شماره کتابشناسی ملی

موسوی خوئی، احمد، ۱۳۵۹ -
اقتصاد کلان
تهران: پوران پژوهش، ۱۳۹۴
۳۰۴ ص.
کتاب ارشد.
مجموعه مدیریت
978-964-184-474-7
فیبای مختصر
فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
۲۸۱۲۵۲۷

انتشارات پوران پژوهش

نام کتاب: اقتصاد کلان
تألیف: احمد موسوی خوئی
ناشر: پوران پژوهش
حروفچینی: پوران پژوهش
چاپ و صحافی: نقش مهر
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۴
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۴-۴۷۴-۷

ISBN: 978-964-184-474-7

دفتر مرکزی: میدان انقلاب - ابتدای کارگر جنوبی - کوچه مهدیزاده - پلاک ۹ - واحد ۵۴ تلفن: ۶۶۹۲۷۰۴۰

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف و ناشر، نشر یا بخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

به نام تنها پرتی که قلم را آفرید

پیش‌گفتار انتشارات

نگاهی به شمار داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد نشان می‌دهد که در این سال‌ها درخواست تحصیل در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها افزایش چشمگیری داشته است. دشواری پیش روی بیشتر داوطلبان، گوناگونی منابع درسی و نبود دسترسی به آنها و همچنین نمونه آزمون‌های مناسب برای تمرین و فهم بیش‌تر مفاهیم درسی است.

مدیریت بنیاد انتشارات پوران پژوهش، آقای دکتر احمد هژیر و همسرشان بانو افسانه عبدی با بیش از ۲۰ سال کوشش در راستای برآورده‌سازی نیاز داوطلبان، با سیاست کلی چاپ کتاب‌های ارزنده با بهایی درخور، آماده‌سازی و تیراژری چهار مجموعه‌ی گوناگون با انگیزه‌های گوناگون را در دستور کار قرار داده است. مجموعه‌ی نخست با نام **کتاب ارشد** (با جلد آبی‌رنگ) که تاکنون به دست داوطلبان رسیده، با پذیرش چشمگیری همراه بوده است. در هر کتاب ارشد، پس از شرح کامل درس در هر فصل، پرسش‌های چهارگزینه‌ای آزمون‌های سراسری و آزاد، چارچوب‌های گذشته با پاسخ‌های تشریحی آورده شده است. شرح درس در هر کتاب از این مجموعه به گونه‌ای است که برای دانشجویان سال‌های پایین‌تر سودمند است و نیز یک منبع درسی مناسب برای دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها می‌باشد. کتاب ارشد نخستین بار در مهرماه سال ۱۳۸۰ در قالب پانزده عنوان به داوطلبان شناسانه شد. هم‌اکنون بیش از ۳۰۰ عنوان را دربرمی‌گیرد. مجموعه‌ی دوم با نام **آزمون‌های جامع ارشد و دکتری** (با جلد ماه‌رنگ) به گونه‌ای گردآوری شده است که دانشجویان دفترچه‌های آزمون‌های سراسری کارشناسی ارشد و دکتری سال‌های گذشته را با پاسخ‌های تشریحی در یک کتاب خواهد داشت.

مجموعه‌ی سوم با نام **بانک تست ارشد** (با جلد نارنجی‌رنگ) در دروس پایه و تخصصی هر رشته، یک کتاب کار به شمار می‌رود که در آن پرسش‌های طبقه‌بندی‌شده به همراه پاسخ‌های تشریحی آورده شده است تا دانشجو با حل و بررسی آن‌ها توانایی بایسته برای پاسخ‌گویی به آزمون‌ها را به دست آورد. مجموعه‌ی چهارم که با جلد قهوه‌ای رنگ عرضه شده و به عنوان کتاب‌های مرجع در دانشگاه‌ها آموخته می‌شود، این کتاب‌ها شامل تالیفات اساتید برجسته کشور و همچنین ترجمه آثار گران‌بهای مؤلفان بزرگ خارج از کشور می‌باشد.

در پایان از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود پیشنهادات و انتقادات خود را به پست الکترونیکی انتشارات پوران پژوهش info@pouran.net ارسال فرمایند.

مقدمه مولف

چند سالی است که دانشجویان محترم در کلاس‌های کنکور کارشناسی ارشد درخواست تألیف کتاب‌های اقتصاد خرد، کلان را از بنده داشته‌اند، آنها کتابی متفاوت با بیانی متفاوت که با سایر کتاب‌ها در بازار تفاوت کند را خواستار شدند، زیرا الگوی تدریس بنده متفاوت و نحوه بیان مطالب همیشه در سر کلاس‌هایم از ویژگی‌های خاص برخوردار بوده است. تشویق دانشجویان و دوستان و سابقه‌ی نزدیک به یک دهه‌ی اینجانب در کلاس‌های کنکور کارشناسی ارشد، مرا به این داشت که کتابی جامع و کامل و مفید با بیانی ساده برای دانشجویانی که امکان حضور در کلاس‌های کنکور را ندارند فراهم آورم، در این کتاب که چیدمان بی نظیری دارد، ساده‌نویسی به همراه حل مثال‌های فراوان و گسترده‌ی نمونه‌ی نکات مهم درس و کنکور او را متمایز نموده است و حتی برای اساتید دانشگاه‌ها و تدریس آنان به خوبی قابل استفاده است.

من در این مسیر روزهایی که تنها به نام رفاه موش می‌کنم، اما رویاهایم را ادامه خواهم داد تا به آنهایی که محتاج نگاه ساده‌ای هستند عشق بورزم. در این مسیر هم برایم دست تکان دادند اما کم بودند دستانی که تکانم دادند، دوست و دست بسیار است اما دست دوست است و من آن دست‌ها را می‌بوسم. این مجموعه تقدیم به دختر با طراواتم باران و همسر مهربانم می‌شود آنها بودند که از زمانه‌ی شان گذشتند تا بنده این مجموعه را تألیف نمایم، باران عزیزم باید به لطافت خودش مرا عفو کند.

از جناب آقای دکتر هژبر مدیر محترم انتشارات پوران پژوهش تشکر می‌کنم که با راهنمایی‌هایش مرا به خوب نوشتن تشویق نمود. از سرکار خانم حمیده احمدی به خاطر جمع‌آوری و تصحیح سوابق نیز تشکر می‌کنم. در پایان از همه‌ی اساتید و دانشجویان عزیز درخواست می‌نمایم که برای بهبود کمی و کیفی این کتاب حتماً بنده را با

ایمیل

ahmad_economic@yahoo.com

مطلع نمایند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول. شیوه انجام فعالیت‌های اقتصادی	۷
فصل دوم. حسابداری ملی و شاخص قیمت‌ها	۳۱
فصل سوم. مدل‌های تعیین درآمد ملی تعادلی و سیاست‌های مالی	۷۳
فصل چهارم. بازار پول و سیاست‌های پولی	۱۵۵
فصل پنجم. تعادل همزمان بازار پول و کالا و سیاست پولی و مالی، مدل (IS و LM)	۱۹۳
فصل ششم. نظریه‌های نرخ و سرمایه‌گذاری	۲۳۷
فصل هفتم. تورم و بیکاری	۲۶۷
پایوست	۳۰۱

www.ketaboo.ir

مقدمه‌ای بر اقتصاد کلان^۱

علم اقتصاد را علم انتخاب بهینه می‌نامند. این علم بر آن است تا عوامل تولید محدود مانند نیروی کار، زمین، سرمایه، ثروت و ... را براساس رسیدن به اهداف جامعه درست تخصیص یابند. تاریخ دویست ساله علم اقتصاد نوین با استفاده از ساز و کار بازار و نهادهای عرضه‌ی سنتی بر نحوه تخصیص بهینه عوامل تولید محدود، آغاز گردید. پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ م) و بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ م) امکان تأثیرگذاری مثبت دولت در حیطه اقتصاد، مباحث اقتصاد کلان مطرح گردید.

حوزه اقتصاد کلان

اقتصاد خرد^۲ به بررسی و مطالعه‌ی رفتار و کردار واحدهای منفرد در اقتصاد می‌پردازد. مثلاً چگونگی درخواست کالا توسط مصرف کننده (حداکثرسازی مطلوبیت) و تعیین قیمت و تعیین میزان مقدار تولید، برای کالای تولید شده توسط تولید کننده (حداکثرسازی سود) و یا چگونگی و رسیدن به حداکثر رفاه اقتصادی جامعه (حداکثرسازی همزمان مطلوبیت مصرف کننده و سود تولید کننده) در حوزه اقتصاد خرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. اقتصاد خرد به تحلیل و بررسی جزئی اقتصاد می‌پردازد. اما اقتصاد کلان یک نگاه کلی به اقتصاد دارد و عواملی مانند تولید کل جامعه، تورم، اشتغال، مصرف کل، درآمد ملی، پس‌انداز کل و ... را مورد بررسی قرار می‌دهد.

1- Macroeconomic

2- Microeconomic

اقتصاد کلان با متغیرهای بزرگ سر و کار دارد. در این حوزه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که منجر به پیدایش مکاتب فکری گوناگون گردیده است (کلاسیک‌ها، نئوکلاسیک‌ها، کینزین‌ها، نئوکینزین‌ها، پولیون، کلاسیک‌های جدید، پست کینزین‌ها و ...) و اگر نبرد مکاتب فکری مختلف از اقتصاد کلان کنار گذاشته شود، اهداف سیاست اقتصاد کلان در مهار تورم، اشتغال کامل، تعادل در تراز پرداخت‌ها و رشد اقتصادی بالاتر، محدود می‌گردد.

چرا اقتصاد کلان به وجود آمد

دانش اقتصاد کلان در دهه ۱۹۳۰ توسط کینز^۱ مطرح شد. کینز با انقلاب در مفاهیم محوری اقتصاد و نگاه به عدم تعادل‌های اقتصادی و ارائه راه حل‌های اصلاح عدم تعادل‌ها در اقتصاد پایه‌های اقتصاد کلان را بنا نهاد. آدام اسمیت^۲ که به پدر علم اقتصاد مشهور است بیان می‌کند که باید هر انسانی دنبال منافع شخصی خود باشد و او می‌گوید تعامل نفع شخصی و نیروهای بازار باعث می‌شود تا دنیا را به بهترین وضعیت قرار گیرد. مردم با تولید و فروش کالاهای مفید سود به دست می‌آورند و - ایند رجا به - قیمت‌ها را نزدیک هزینه تولید نگه می‌دارد و به کارگران بر اساس میزان مشارکت و بهره‌وری تولید آنها، دستمزد منصفانه پرداخت می‌شود و با تخصصی شدن نیروی کار، رفاه بیشتر می‌شود و در نتیجه یک دست نامرئی^۳ وجود دارد که جامعه را هدایت می‌کند و این ایده‌ی اسمیت سرآغازی شد برای تحلیل‌های اقتصادی مبتنی بر روش‌های جدید. نزدیک به دو قرن ایده‌های آدام اسمیت راجا بود و تحقیقات اقتصادی پا فراتر نگذاشت. تا آخر قرن نوزدهم ایده‌ی آدام اسمیت که بیان می‌کرد اقتصاد خرد به خود اصلاح می‌شود توسط مکتب نئوکلاسیک فرموله شد (پیروان اسمیت را در اقتصاد کلاسیک می‌نامند، کینز واژه *classical* را در مورد اقتصاددانانی به کار برد که قبل از سال ۱۹۳۶ در مورد مسائل اقتصاد کلان اظهار نظر کرده‌اند. اولین دوره‌ای که این نام به اقتصاددانان نسبت داده شده مربوط به است که افرادی مانند آدام اسمیت: ثروت ملل ۱۷۷۶، دیوید ریکاردو: اصول اقتصادی سیاسی ۱۸۱۷، جان استوارت میل: اصول اقتصادی سیاسی ۱۸۴۸، در آن قرار داشته‌اند و دوره‌ی دوم که نام نئوکلاسیک‌ها *Neoclassical* نامگذاری شده است افرادی مانند آلفرد مارشال: اصول اقتصاد ۱۹۲۰ و پیگو: تئوری بیکاری ۱۹۳۳، را در بر می‌گیرد. تفاوت بین این دو مکتب در پیشرفت اقتصاد خرد است اما کینز احساس کرد در حوزه اقتصاد کلان این دو مکتب در یک خانواده قرار می‌گیرند)

1- keynes

2- Adam smith

3- Invisible hand

توضیح اضافی: مکانیسم بازار از طریق جریان رفت و برگشت (*tatonnement*) به طور سریع و کارآمد عمل کرده تا تعادل اشتغال کامل در اقتصاد برقرار شود.

اسمیت می‌گوید اقتصاد خود به خود اصلاح می‌شود آن هم توسط دست نامرئی و بازار و ساز و کار بازار آنقدر قوی است که اگر شوکی به اقتصاد وارد شود سریعاً اقتصاد را به تعادل می‌رساند که در آن عرضه و تقاضای بازار برابر هستند. این ایده که توسط کلاسیک، و نئوکلاسیک، بیان شد می‌گوید اگر کارگری بیکار شد به راحتی می‌تواند کار پیدا کند و اقتصاد همیشه در اشتغال کامل به سر می‌برد. محور اصلی اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک آن بود که عرضه، تقاضای خود را به وجود می‌آورد و همین امر باعث اشتغال کامل می‌شود یعنی اگر تولید انجام می‌شود (عرضه) معادل ارزش آن به عوامل تأکید پرداخت می‌شود و زمانی که این درآمد خرج شود، معادل ارزش تولید، تقاضا به وجود می‌آید. یعنی تولید کننده تولید می‌کند و تقاضا کننده به همان اندازه خرید می‌کند و هرچه عرضه شود برایش تقاضا وجود دارد) تأکید در اینجا روی خرج شدن همه درآمدها است و زمانی که همه درآمدها خرج شود، همه‌ی تولیدات هم خریداری می‌شود هیچ وقت مازاد کالا در بازار وجود ندارد و اگر موقتاً خوب روز مازاد کالا در یک بازار شود، اما این مازاد کالا با یک کمبود در یک بازار دیگر جبران می‌شود.

انعطاف‌پذیری قیمت‌ها، دستمزدها و بخشی بهره در بازارهای محصول، کار و پول یک فرض است که نئوکلاسیک‌ها آن را بیان می‌کنند و این انعطاف‌پذیری سریع اقتصاد را به تعادل می‌رساند. لذا آدام اسمیت نتیجه می‌گیرد که تعادل در اقتصاد خرد به تعادل در اقتصاد کلان می‌انجامد و نیازی به دخالت دولت در اقتصاد و مدیریت کردن توسط برنامه‌ریزان نیست. زیرا مصرف کنندگان با در نظر گرفتن محدودیت بودجه و سلیقه خرید به حداکثر نمودن رضایت‌مندی خود در مصرف کالا دست می‌یابند و به تعادل مصرف کننده دست می‌یابند و تولیدکنندگان هم با حداکثر نمودن سود خود به تعادل در تولید می‌رسند و چون کل اقتصاد را هم این عامل فردی در حوزه‌ی تولید و مصرف شکل گرفته این تعادل، باعث تعادل در کل اقتصاد (اقتصاد کلان) می‌شود و این همان تحلیلی است که می‌گفت تعادل در اقتصاد خرد به تعادل در اقتصاد کلان می‌انجامد و وقتی قرار باشد هر چه تولید می‌شود به همان نسبت تقاضا ایجاد شود، همیشه عرضه و تقاضا برابر هستند و اقتصاد کلان هم در تعادل است.

* این تحلیل اسمیت بعد از انقلاب صنعتی (پایان قرن هجدهم) با رویکردی جدید کمرنگ شد و تولید به طور مستمر در حال افزایش بود و منحنی عرضه بنگاه‌ها بخاطر ابداع و نوآوری و بهبود ساختار هزینه‌ای زیادتر شد و در این شرایط اصل خست و صرفه‌جویی تمام ذهن و فکر عوامل اقتصادی را در بر گرفت.

* بعد از انقلاب صنعتی تا اواخر قرن نوزدهم بیشتر فعالیت‌های اقتصادی به امور زیربنایی، سرمایه‌گذاری‌های مولد و ایجاد زیرساخت‌های توسعه مربوط می‌شد و تولید کالاهای مصرفی و رفاهی محدود بود. و چون میزان عرضه زیادتر شده بود، قیمت محصولات کاهش یافت و اضافه رفاه مصرف‌کننده افزایش یافت و این اضافه رفاه عمدتاً به معنی افزایش عایدات مصرف‌کنندگان کالاهای سرمایه‌ای بود یعنی افزایش عایدات صاحبان بنگاه‌ها بودند افزایش رفاه مصرف‌کنندگان کالاهای مصرفی و این وضعیت در واقع به بهبود شرایط برای سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر کمک می‌کرد. در آن دوران با وجود این همه پیشرفت و نوآوری و سرمایه‌گذاری، رفاه مردم کشورهای اروپایی چندان افزایش نیافته بود در حالیکه انتظار مردم و حتی روشنفکران بر این اساس بود که تحولات بزرگ انقلاب صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های فراوان باید رفاه مردم را افزایش می‌داد و به همین خاطر اظهار نارضایتی می‌نمودند. در آن زمان رفاه پایین و دستمزدهای در سطح حداقل معیشت بر آن شد که در نیمه قرن ۱۹ میلادی استورات میل اقتصاددان مشهور کلاسیک، نسبت به این وضعیت که در آن رفاه کارگران پایین است اظهار نگرانی می‌کرد و مارکس هم بیان می‌نمود که اقتصاد سرمایه‌داری دچار بحران عدم تناسب خواهد شد، یعنی تناسبی میان دستمزد کارگران و قدرت خرید لازم برای کالاهای بطور انبوه تولید شده در آینده وجود ندارد.

* در این شرایط که تولید کالاهای مصرفی بطور انبوه انجام می‌شود و مردم و کارگران می‌بایست این کالاها را خریداری نمایند اما در آنکه دستمزد کارگران در سطح حداقل معیشت ثابت مانده بود و قدرت خرید کافی برای کارگران وجود نداشت و تولید کالاهای مصرفی بسیار زیاد شده بود، لذا در این شرایط عرضه تقاضای خود را به دست می‌آورد و معلوم شد که اقتصاد همیشه در تعادل به سر نمی‌برد یعنی دیگر تعادل خرد به کلان منجر نخواهد شد و به خاطر ناسازگاری میان بازار محصول و بازار کار، اقتصاد دچار عدم تعادل عمیق شده است. حتی با انعطاف پذیری قیمت‌ها باز هم بیکاری و عدم تعادل وجود دارد و حتی دست نامرئی سیاست نمی‌تواند تعادل پایدار را به اقتصاد برگرداند. (در دو حالت دام نقدینگی LM افقی) که حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره بی‌نهایت است و زمانی که حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره صفر است IS عمودی)، در این ۲ حالت حتی با انعطاف پذیری قیمت‌ها هم دست نامرئی نمی‌تواند اقتصاد را به تعادل اشتغال کامل برگرداند و دولت می‌بایست از طریق سیاست‌های مالی انبساطی در اقتصاد دخالت نماید.

* حتی عدم تناسب مارکس نیز در شرف وقوع بود یعنی در بازار کار قیمت تعادلی وقتی شکل می‌گیرد (دستمزد) باید با قدرت خرید لازم باید متناسب باشد که این تناسب دیگر وجود نداشت. در روند رشد کشورهای پیشرفته از نیمه دوم قرن ۱۹ به بعد نشانه‌هایی از این عدم تناسب به وجود آورد و حتی روز به روز شدیدتر شد تا اینکه در ابتدای قرن ۲۰ تولیدات صنعتی در دنیای پیشرفته

با کمبود تقاضای خانوارها و توده‌های مردم مواجه شد و می‌رفت تا بزرگ‌ترین رکود و عدم تعادل در اقتصاد را رقم بزند. تا آخر دهه ۱۹۲۰ این وضعیت عملاً اتفاق افتاد. این رکود با سایر رکودها که قبلاً در اقتصاد رخ داده بود تفاوت داشت زیرا بقیه‌ی رکودها اثراتی مانند جنگ، بدی آب و هوا و ... بود اما رکود بسیار بزرگ ۱۹۲۹ یک عدم تعادل بسیار عمیق در سطح کلان اقتصادی کشورهای پیشرفته بود و خود به خود هم بحران از بین نمی‌رفت. کینز که یک اقتصاددان برجسته بود با انقلاب فکری که برپا نمود مشکل را بخوبی متوجه شد و برای از بین بردنش راهکار ارائه داد. او به درستی متوجه شد مشکل اصلی و اساسی در اقتصاد در ابتدای قرن ۲۰ مشکل کمبود تقاضای موثر است او اظهار داشت که ادعای اسمیت که بیان می‌کرد تعادل خرد، خود به خود تعادل را در کلان هم به وجود می‌آورد و ادعای سی که عرضه، تقاضای خود را ایجاد می‌کند، اگرچه در جای خود صحیح بوده است اما در شرایط کنونی صحیح نیست. کینز نمی‌گوید ایده‌ی اسمیت و قانون سی به طور کلی مردود است. بلکه بیان می‌کند این ایده‌ها در شرایط تاریخی خود صحیح بوده و در شرایط تاریخی جدید و کنونی مخصوصاً این زمان نیست.

* کینز می‌گوید باید اقتصاد در سطح کلان مدیریت شود و نمی‌توان به دست نامرئی اسمیت اعتماد نمود و باید در اقتصاد کنونی به دنبال افزایش تقاضا باشیم به همین دلیل اقتصاد کینز را اقتصاد طرف تقاضا می‌نامند او می‌گوید باید دولت شبرگرد کلاسیکی جای خود را به دولت رفاه مداخله‌گر بدهد. این عرضه نیست که تقاضای خود را بوجود می‌آورد، بلکه این تقاضا است که مقدار عرضه را تعیین می‌کند. لذا می‌گوید دولت از طریق سیاست‌های مالی انبساطی (افزایش مخارج دولتی و کاهش مالیات‌ها) در اقتصاد مداخله نماید و اقتصاد را به سمت تولید و رونق بیشتر سوق دهد و حتی برای این اقدام نگران کسری بودجه نباشد (در صورتی که کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها می‌گفتند باید سیاست توازن بودجه اجرا شود).

* کینز بیان می‌کند که دولت علاوه بر تأمین امنیت باید برای غایب‌ها جلودگیری از بحران کمبود تقاضا باید در اقتصاد دخالت نماید و سندیکاها را کارگری را تقویت کند، پرداخت‌های انتقالی به مردم بدهد و صندوق‌های تأمین اجتماعی را گسترش دهد. پس اقتصاد کلان در فضایی خاص با رویکرد خاص توسط کینز ابداع می‌شود و نوعی انقلاب محسوب می‌شود.

* در واقع از دهه ۱۹۳۰ به بعد که اقتصاد کلان به عنوان یک شاخه مهم در دانش اقتصاد بیان می‌شود خط تمایزی میان این شاخه با اقتصاد خرد ترسیم شده است اما مرز دقیق میان آن‌ها به طور روشن مشخص نشده است و حتی در بعضی مواقع هر کدام وارد قلمرو دیگری شده است و برای مثال در اقتصاد کلان اخیراً رفتار عقلایی و نحوه‌ی شکل‌گیری انتظارات عوامل فردی را مطالعه می‌کند که یک موضوع سنتی اقتصاد خرد است.